

بنجره و خلاء
در نقاشی های ادوارد هاپر
لوئیس شادویک
ساناز حائری

سرشناسه: شدویک، لوئیس

Shadwick, Louis

عنوان و نام پدیدآور: پنجره و خلاء در نقاشی‌های ادوارد هاپر / لوئیس شادویک: [مترجم] ساناز حائری.

مشخصات نشر: تهران: حرفه هنرمند، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۸۰ ص.: مصور(رنگی): ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۷۵۹-۴۸-۸

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: The Window and the Void In the work of Edward Hopper.

یادداشت: عنوان دیگر: پنجره و خلاء در آثار ادوارد هاپر.

عنوان دیگر: پنجره و خلاء در آثار ادوارد هاپر.

موضوع: هاپر، ادوارد، ۱۸۸۲ - ۱۹۶۷ م. — نقد و تفسیر

Hopper, Edward-- Criticism and interpretation

موضوع: نقاشان آمریکایی — قرن ۲۰ م

Painters -- United States-- 20th century *

موضوع: پنجره‌ها در هنر

Window in art

موضوع: نقاشی — هنرهای رنسانس

Painting -- Psychological aspects

شناسه افزوده: حائری، سان، ۱۳۵۹ — مترجم

رده بندی کنگره: ۱۳۹۵ ش ۴/هـ، ۳۷، N1

رده بندی دیویی: ۷۵۹/۱۳۰۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۴۲۳۴۹۲۱



پنجره و خلاء در آثار ادوارد هاپر

مؤلف: لوئیس شادویک

مترجم: ساناز حائری

ناشر: حرفه هنرمند

طراح گرافیک: سعید قره‌خانی

طرح جلد: شهریار توکلی

روابط عمومی: نگین سادات ملیح

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: طیف‌نگار

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۵۰۰ جلد

تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً و جزئاً، به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر، انتشار الکترونیکی) بدون اجازه‌ی مکتوب از ناشر ممنوع است.

نشانی: تهران صندوق پستی ۱۸۹۵-۱۶۳۱۵ تلفن: ۸۸۸۱۲۸۴۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۷۵۹-۴۸-۸

فهرست

۸..... یا دوست مترجم

۱۰..... دیپ

۱۴..... فصل اول (پنجمرحله چشم)

۳۶..... فصل دوم (پنجمرحله مجاز)

۴۸..... فصل سوم (پنجمرحله و خلاصه)

۷۰..... فروداشت

۷۱..... کتابنامه

کتابی که در دست دارید یکی از پایان نامه‌های دانشجوی کارشناسی دانشگاه بریستول در سال ۲۰۱۱ است. با توجه به این که نویسنده‌ی متن، دانشجوی کارشناسی بوده و نویسنده‌ای حرفه‌ای محسوب نمی‌شود، طبیعتاً متن از لحاظ نگارش مشکلاتی داشت. برای مثال استفاده از جملات طولانی و تکراری، افاد و ابیات مشابه به کرات... و رعایت نکردن علائم نگارشی. در ترجمه تلاش شده تا حد ممکن این اشکالات نمود پیدا نکنند اما از جهت وفاداری به متن اصلی، ممکن است در برخی قسمت‌ها این نواقص احساس شوند. در نهایت علی‌رغم مسائل ذکر شده، تحلیل و بررسی‌ای که از آثار هاپر و موتیف‌های مختلف کاری‌اش صورت گرفته، چنان متفاوت و بدیع است که به یاری آن می‌توان این اشکالات را نادیده گرفت.

در این زمانه، تاریک یا نورانی، زندگی به زیستن است
و رؤیا دیدن و رنج کشیدن.
شارل بودلر، پنجره‌ها، ۱۸۶۴

این تحقیق حاصل مشاهدات اولیه‌ی بسیار است. نخست آن‌که، علی‌رغم شرح‌های بی‌شماری که درباره‌ی ادوارد هاپر^۲ نوشته شده آثار اندکی به نقش «پنجره» به عنوان موتیف در کارهایش، توجه ویژه داشته‌اند. بسیاری از نویسندگان اهمیت آن را فهمیده‌اند اما در بررسی عمیق‌تر معنی تاریخی و نمادینش موفق نبوده‌اند. در واقع، با این‌که پیترو وولن^۳ در نوسه‌ها^۴ ذکر می‌کند که در اتاق‌های هاپر «پنجره مهمترین مشخصه است»^۵ اما بدون هیچ بحث و بررسی بیشتری از آن عبور می‌کند؛ و با وجود این‌که جوزف وارد^۶ عقیده دارد که پنجره‌های هاپر «تقریباً همیشه، بار دراماتیک رایج در نقاشی‌هایش را به دوش می‌کشند»^۷، در نهایت نتیجه‌ی مشاهداتش نامطمئن و نظری پنداشته

می‌شود. در تاریخ هنر اکثراً به این موتیف اشاره شده است، اما هیچ‌گاه تلاش‌ها از حد اندکی فراتر نرفته است. مهم‌تر از آن، معتقدم که تحقیق در غنای نمادگرایی وابسته به موتیف پنجره، کلیدی است به کشف ابعادی جدید در هنر هاپر.

والاس جکسون^۶ به‌درستی تشخیص می‌دهد که «آثار هاپر چندان در بستری مناسب بررسی نشده‌اند. نمی‌توانیم بفهمیم که او تا چه حد، بر عمل دیدن و دیده شدن که اصل و اساس هنرش بر مبنای آن بوده، کند و کاو کرده است.»^۷ علاوه، گیل لوین^۸ در کتاب بیوگرافی‌اش از زندگی و آثار هاپر، تصویر واضحی از این که خواننده‌ی هاپری تا چه حد درست و به‌جا بوده‌اند، ترسیم می‌کند. خود هاپر می‌گوید: «هیچ‌وقت از کسی تأثیر نگرفته‌ام ... هر هنرمندی، جوهری از اصالت دارد. بهر هویتی، که تنها متعلق به خودش است.»^۹ بحث من این است که اصالتی که هاپر خود به آن آگاه و معترف بوده است - به جای آن که نامش را مستقیماً «تأثیر» بگذاریم - بر «لایه‌ای» و «فرشی» به سنت‌های تاریخ هنر و ادبیات تکیه دارد. سنت‌هایی که او از آنها در معنای «لایه‌ای» و «فرشی» در هنر عمیقاً شخصی‌اش بهره برده است. گمان می‌کنم این دستاورد، هم خودآگاه بوده است و هم ناخودآگاه. به این دلیل که حساسیت یک هنرمند، از تحسین آثار ادبی و نقاشی‌هایی شکل می‌گیرد که عمیقاً وی را تحت تأثیر قرار داده و منجر به یافتن «فلسفه‌ی» شخصی‌اش می‌شود. مبحث دیگر، بررسی موتیف «خلاء» و رابطه‌ی نمادین آن، «پنجره» در آثار هاپر است. نمی‌خواهم به وسوسه‌ی تعیین کارکردی یکه و مطابق برای موتیف «پنجره» تن بدهم؛ موتیفی که هزاران سال سنت و معنی نمادین در آن وجود دارد. تصور می‌کنم حجم عظیم همین نمادهای بالقوه بوده که هاپر را مجاب این موتیف کرده است و نه صرفاً یک معنای واحد. خودش نیز توضیح می‌دهد که چگونه به سوژه‌هایی رسیده که به نظرش «بهترین ابزارها برای سنتز تجربیات درونی‌اش بوده‌اند.»^{۱۱} از این روی، قصد دارم با بررسی نحوه‌ی استفاده‌ی هاپر از پنجره و خلاء، به درک بهتری از «تجربیات درونی» او و هنرش برسم.